
سیدارتها

یک شعر هندی

هرمان هسه

مترجم

سروش حبیبی



سازمان اسناد و کتابخانه ملی

تهران

۱۳۹۸

مقدمه‌ای در احوال هرمان هسه و کارهای او

آثار هرمان هسه را به آسانی می‌توان به دو بخش تقسیم کرد. نخست رمان‌هایی که او رویدادهای زندگی شخصی خود را آزادانه در آن‌ها تحریر کرده است، هرچند به شیوه‌ای واقعگرا. از این شمار است رمان پتر کامتسیند^۱ (۱۹۰۴) که شرح زندگی آموزندگی خود اوست و نیز زیو منگنه^۲ (۱۹۰۵)، که داستان یک زندگی مدرسی است، یا گرتروود^۳ (۱۹۱۲) که شرح شوق عاشقانه و روسهالده^۴ (۱۹۱۴) که شرح زندگی زناشویی اوست.

بعد هرمان هسه شیوه‌ی سنتی رمان‌نویسی را کنار گذاشت و به شیوه‌ای کم و بیش تمثیلی روی آورد. بعدها خودش گفت: «آثار هوفمان^۵ یا هاینریش فن افتردینگن^۶ نوالیس^۷ را ارجمندتر از کتاب‌های درسی تاریخ و علوم شمرده‌ام و به همین دلیل همواره مجذوب این نویسندگان بودم.» اولین گام او در پیوستن به سلک نویسندگان رمانتیک آلمان

1. Peter Camenzind 2. Unterm Rad 3. Gertrud 4. Rosshalde

5. Ernst Theodor Hoffmann (۱۷۷۶-۱۸۲۲): نویسنده‌ی رمانتیک پروس‌ی.

6. Heinrich von Ofterdingen

7. Novalis (۱۷۷۲-۱۸۰۱): شاعر و نویسنده‌ی رمانتیک آلمانی.

کتاب کنولپ (داستان دوست من)^۱ (۱۹۱۵) و گام دوم رمان دمیان^۲ (۱۹۱۹) است که با استقبال گرم خوانندگان جوان و نیز سخن‌سنان جوان خرد و کلان روبه‌رو شد. مثلاً توماس مان در ششم ژوئن ۱۹۱۹ در نامه‌ای به یوزف پوتن^۳ نوشت: «به عقیده‌ی من، این کتاب (دمیان) اثر فوق‌العاده‌ای است.»

دمیان هنوز رنگ داستانی واقعی داشت، گرچه نام شخص اول داستان و مادرش، اوا، در همان نگاه نخست نشان می‌دهد نویسنده به کدام افسانه نظر دارد و می‌خواهد آن را به جهان امروز آورد و جان تازه‌ای به آن ببخشد. دمیان شیطنی نیک‌اندیش و دستگیر است که می‌توان گفت آبرویی دوباره یافته و اوا (که همان حواست) مادر همه‌ی آدمیان به شمار می‌رود. به یاد داشته باشیم که هرمان هسه این کتاب را با نام مستعار امیل سینکلر^۴ منتشر کرد تا خوانندگان گمان کنند اثر نویسنده‌ای تازه‌کار است و با تمامی نسل جوان سخن می‌گوید. هرمان هسه هنگام انتشار این کتاب چهل سالگی را پشت سر گذاشته و نویسنده‌ای سرشناس بود. تازه بعد از چاپ دهم دمیان بود که آن را اثر خود دانست و نام خود را پای آن نهاد. خوانندگان او فریبکاری‌اش را به دل نگرفتند. هسه ده سالی نویسنده‌ی دل‌بند جوانان آلمانی بود و از پیشوایان نشان به شمار می‌رفت، تا آن‌که در ۱۹۲۲ سیدارتها و در ۱۹۲۷ گرگ بیابان^۵ را به چاپ رساند.

۱. Knulp؛ این کتاب با ترجمه‌ی این بنده و به همت نشر ماهی انتشار یافته است.

2. Demian

3. Joseph Ponten (۱۸۸۳-۱۹۴۰)؛ نویسنده‌ی آلمانی.

4. Emil Sinclair 5. Der Steppenwolf

سینکلر جوان میان جهان نیکی و دوزخ بدی سرگشته بود، حال آن‌که هاری هالر (که همان گرگ بیابان باشد) در میان کشمکش درونی بین نظم و آشفتگی به خود می‌پیچید. گرگ بیابان تصویری خیالی و تراژیک است و به قول توماس مان «در جسارت و تجربه‌آزمایی چیزی بدهکار یولیس جویس یا فلاّبان آندره ژید نیست.»

بعد از گرگ بیابان، سه اثر داستانی از او منتشر شد. نخست نارسیس و گلدموند^۱ (۱۹۳۰) که در قرون وسطایی خیالی می‌گذرد و روایتگر رابطه‌ی اندیشمند و هنرمند است (دو قطبی که در نهاد خود نگارنده متمرکزند). دوم سلوک به سوی صبح^۲ (۱۹۳۳)، داستانی عارفانه که آندره ژید آن را اثری باشکوه می‌دانست. و سرانجام اثر شکوهمند و سترگ او، بازی گویچه‌های بلورین^۳ (۱۹۴۳)، که به‌ظاهر داستانی آرمانشهری است و نویدبخش آینده.

آری، حتی هرمان هسه نیز که در برابر هرگونه اقتداری سر به شورش برمی‌دارد، هرگز از مسئله‌ی آموزش فارغ نیست. از این نظر، وحدت و یکپارچگی درخشانی در تمام آثار او نمایان است. قهرمان اغلب داستان‌های هسه شخصی است در جست‌وجوی خویش و در پی یافتن بهترین راه زندگی و سازگاری با عالم هستی. هرمان هسه را می‌توان

۱. *Narziss und Goldmund*؛ این اثر را بنده در سال‌های جوانی به نام نرگس و زرین‌دهن ترجمه کردم. ترجمه‌ی بازنویسی شده‌ی آن به نام نارسیس و گلدموند یک بار در نشر چشمه به چاپ رسید و از آن زمان تاکنون در انتظار اجازه‌ی انتشار است.

۲. *Morgenlandfahrt*؛ این کتاب را نیز بنده در سال‌های جوانی ترجمه کردم و نسخه‌ی تجدیدنظر شده‌ی آن را نشر ماهی منتشر کرده است.

3. *Das Glasperlenspiel*